زندگی دینی
پیش از ظهور

عباس مخلصی


بسم الله الرحمن الرحيم

زندگی دینی پیش از ظهور

نویسنده:

عباس مخلصی

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگی دینی پیش از ظهور

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران۷۴-۱۹۸۲۷

سرشناسه : مخلصی عباس عنوان و نام پدیدآور : زندگی دینی پیش از ظهور/ مخلصی عباس منشا مقاله : ، حوزه سال ۱۲، ش ۴، ۵، (مهر ـ دی ۱۳۷۴): ص ۳۲۵ ـ ۳۵۲.

توصیفگر : غیبت امام زمان توصیفگر : دین توصیفگر : تفکر

توصیفگر : دینی توصیفگر : انتظار (اسلام

توصیفگر : اعتقادات مذهبی

مقدمه

زیست منتظرانه، پیشینه ای دراز در تاریخ وافقی ناپیدا در آینده روزگار دارد. باور انتظار، نه تنها به پایان عصر حضور (۲۶۰ ه -.ق.) که به دوران آغازین دین باز می گردد؛ چه، تاریخ اسلام، این سلوك را، در زندگی دینی آن روزگار، نشان می دهد.در حقیقت، این باور، آن گاه بر اندیشه پرتو افکند که پیامبر اسلام (ص)، از ظهور دوباره دین و احیای سنت خویش، در آینده دور، سخن گفت و دینداران را بر تحقق کامل دین و عینیت یافتن آرمانهای نهایی اسلام، به وسیله یکی از فرزندانش، دوازدهمین امام شیعیان، آگاه کرد. [۱] .اینک، قرنها از تجربه این اندیشه دینی می گذرد. زندگی مردمان را در عصر پایدار و بلند انتظار، با تاریخی روشن از نمودها و جلوه های فکری و عملی، مشاهده می کنیم. برخی بر آمده از باور راستین انتظار و پاره ای آمیخته به پیرایه ها و وام گرفته از سنتهای کهن بشر.این کوشش، توصیف و نمایه ای است از گونه زندگی دینداران در عصر انتظار.چشم اندازهای گوناگون زندگی دینی: حیات دین، تفکر و اندیشه دینی و دینداری انسان منتظر نگریسته می شود، تا بایدها و نبایدها، راستیها از ناراستیها و اصالتهای دینی منتظران را باز شناسیم و سلامت و ژرفای این باور را، در اندیشه زلال معصومان (ع) بنگریم.چگونگی زندگی دینی، در عصر انتظار، با توجه به شاخصهایی که زوایای آن را به گونه جدای از یکدیگر، نشان دهد، می توان در دو محور نشان داد:۱.شرح چگونگی اندیشه دینی.۲.شاخصهای دینداری.به باور ما، مطالعه منابع و متون، از زاویه فراخ و دریچه گسترده این دو محور، تمامی مراحل تاریخ فرهنگ دینی را در مقیاسی بزرگ پیش چشم می آورد. اما آنچه در این کاوش می گنجد، شرح شاخصها و پدیدارهایی از زندگی دینی است که باور انتظار، آنها را در فرهنگ تشیع پدید آورده و یا بر پایه سخنان معصومین (ع) به تحقق و پیدایی آنها باور داریم.

شرح اندیشه دینی

با آغاز دوران غیبت، مسؤ ولیت و رسالت دینی امام (ع) در برابر حفظ مکتب و هدایت امت، بر عهده عالمان دین، به عنوان نایب و جانشین امام، نهاده شد. شرح و تفسیر دین، به منظور پاسخ گویی به نیازهای موجود دینداران و بازگویی و باز فهمی تعالیم به جای مانده از امامان (ع)، به وسیله اینان آغاز شد و به تدریج سلسله عالمان دین در طول تاریخ انتظار، به وجود آمد.عالمان، با به کار گرفتن آگاهیهای خود، از منابع اولیه دین: قرآن و سنت، و استناد به فهم علمی خویش از آنها، کوشیدند پاسخهای در خور عصر را بیابند و با عرضه آنها، مسؤ ولیت خویش را در روزگار غیبت به انجام رسانند.دینداران نیز، بر اساس این سخن امام (ع):«واما

الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواهٔ حدیثنا» [۲] .وظیفه یافتند به عالمان دین مراجعه و موضع فکری و رفتاری خود را در رویدادهای زندگی، با رهنمودهای اجتهادی اینان هماهنگ کنند. این پیوند و ارتباط متقابل، میان عالمان و مردمان، سبب گردید، معارف دینی در پرتو تلاشهای دین شناسانه عالمان، در بخشهای گوناگون مکتب نموده شود و با گذشت روزگار رشد و توسعه یابد.دانشهای بسیاری، مانند: فقه، کلام، اصول، تفسیر، رجال، حدیث، فلسفه، عرفان و تاریخ، که اساس فکری آنها در عصر حضور امامان ارائه شده بود، مراحل تکامل را پیمود و میراث علمی ارزنده ای در این علوم پدید آمد.از جمله این تلاشها، تثبیت اندیشه غیبت در قرنهای چهارم و پنجم بود که غیبت امام (ع) در روزگار نخستین، مورد انکار و مناقشه عالمان سنی قرار می گرفت. دانشوران شیعی، در استواری و درستی این باور اسلامی بجد کوشیدند و پرسشها و شبهات را پاسخ گفتند. عالمانی چونان: نعمانی [۳] شیخ صدوق [۴] (م: ۳۸۱)، شیخ مفید [۵] (م: ۴۱۳)، شیخ طوسی [۶] (م ۴۶۰) در خصوص مسائل غیبت امام (ع) و شرح فلسفه آن، کتابهای مستقل نگاشتند.به هر روی، اندیشه دینی، با همه گسترده آن، در دوران غیبت، با ایثار و مجاهدت عالمان شیعی پاس داشته شد و فراروی دینداران قرار گرفت. نقش بزرگ اینان در حفظ و رشد این اندیشه و نیز شدت دغدغه دینمداری و پروای دینی که در تمامی دین پژوهیهای آنان مشاهده می شود، به هیچ روی جای تردید و انکار نیست.البته وجود برخی کاستیها و نادرستیها، جای انکار ندارد، مانند: رشد یافتگی بخشی از معارف دینی و کنار نهاده شدن بخشهای دیگر، ذهنی اندیشی و دور بودن از واقعیتهای موجود و یا به وجود آمدن پاره ای افکار و آرای نادرست و تفسیرهای ناصواب درباره بعضی مفاهیم دینی، که مصداق آن را امروزه در افکار گروهی با عنوان «ولایتها» شاهدیم.حتی در مطالعه تاریخ، افرادی بدعتگذار را می بینیم که توانسته اند در مقیاسی کوچک و محدود، اندیشه دینی را از مسیر اصیل آن خارج سازند و با دسیسه های درونی و یا خود فروشی، به فرقه سازی و دعوتهای گمراه کننده دست یازند.مطالعه سخنان معصومان (ع)، نشان می دهد که در روزگاران غیبت، بعضی افراد مدعی علم دین، داده ها و مفاهیم دینی را بر اساس خواهشهای نفسانی تفسیر و تاویل می کنند و بدین گونه، دین و تعالیم دینی قربانی خواسته های اینان می شود. [۷] .همچنان که اکنون نیز، پاره ای از انحرافها و تفسیر به رایها را در افکار گروهی شاهدیم که به نام دین، همه تکالیف و مسؤ ولیتهای اجتماعی را در روزگار انتظار نفی می کنند و برای خود، هیچ گونه وظیفه اجتماعی که دین به آن حکم کرده باشد، نمی شناسند.این افراد، در دوران غیبت، به گونه ای در باتلاق تأویل و تحریف فرو می غلتند که گاه ظهور نیز، با امام (ع) برخورد می کنند و مورد انتقام قرار می گیرند:علی (ع) می فرماید:«اذا خرج القائم من اهل الفتوی بما لا یعلمون، فتعسا لهم ولاتباعهم» [۸] .زمانی که قائم ظهور کند، از عالمانی که ندانسته فتوا می دهند انتقام می گیرد، اینان و پیروانشان را نگونساری باد.روایتهای دیگر نیز، از فساد و انحراف برخی متولیان اندیشه دینی روزگار غیبت خبر می دهد. همچنین از بخشی دیگر از روایتهایی که حرکتهای فکری و فرهنگی امام (ع) را در عصر ظهور بیان می کند، دانسته می شود که در این روزگار توجیهها و تأویلها و تحریفها و انحرافها و پیرایه ها، بسیاری از باورهای اسلام ناب و راستین را تهدید می کند و ساخته های ذهنی مدعیان دین، به عنوان باورهای دینی ترویج می شود. به برخی احادیث که بیانگر وقوع این احوال در حوزه اندیشه دینی است، اشاره می شود:امام صادق (ع) درباره راه و روش مهدی (ع) می فرماید:«یصنع کما صنع رسول الله (ص)، یهدم ما کان قبله کما قدم رسول الله (ص) امر الجاهلیهٔ، ویستأنف الاسلام جدیدا». [۹] .راه و روش او، چون پیامبر (ص) است؛ یعنی هر چه را پیش از او باشد ویران می کند، چنان که پیامبر (ص) جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را از نو می نمایاند.در بسیاری از روایتهای اسلامی: از تجدید دین و آمدن آیین جدید، توسط امام مهدی (ع)، سخن رفته است. [۱۰] تجدید دین، به هر یک از این معانی تصور شود: تصحیح انحرافها و تحریفها، آشکار کردن فراموش شده های دینی، شرح احکام واقعی و فهم درست دین، متناسب با فرهنگ زمان و...همه اینها در تجدید حیات دین، از این حکایت می کند که پیش از ظهور، اندیشه دینی به گونه ای به کاستیها و پیرایه ها آمیخته خواهد شد که از حرکتهای مهم امام (ع)، پاکسازی و پیراستن ذهنها از رسوبات فکری گذشته و باز سازی فکر دینی و در

نهایت، احیای دوباره تعالیم اسلام راستین، خواهد بود.علی (ع) می فرماید:«یعطف الهوی علی الهدی اذا عطفوا الهدی علی الهوی، و یعطف الرای علی القرآن اذا عطفوا القران علی الرأی». [۱۱] .هواپرستی را به خدا بازگرداند، پس از آن که خدا پرستی را به هوا پرستی بازگردانده باشند. رأیها را به قرآن بازگرداند، پس از آن که قرآن را به رأیهای خود بازگردانده باشند.این کلام علی (ع)، روشن می کند که اندیشه دینی، پیش از ظهور، در سطح وسیعی، بر اساس هواها و هوسها و منافع شخصی و گروهی، شکل می گیرد.عالمان دنیامدار و نفس پرست، اصول و فروع دینی و آیات وحی را به دلخواه تفسیر و تأویل می کنند، آن گونه که با آرزوهای دنیا خواهانه آنان، هیچ تضادی پیدا نکند و چنانکه احادیث بسیار دیگر نیز، به این تصریح دارد، این کار، امری رایج خواهد بود. بدین روی، چون تعالیم حیاتبخش دین و چهره واقعی کتاب و سنت، زیر لایه های افکار و آرای نادرست، پنهان می شود، امام (ع) آنها را بیرون می کشد و آشکار می سازد:علی (ع) می فرماید:«ویحیی میت الکتاب والسنهٔ». [۱۲] .مهدی (ع)، کتاب و سنت مرده و از میان رفته را زنده می کند.در این احادیث، امام (ع)، به صراحت از مردن کتاب و سنت سخن می گوید.بی شک، اندیشه دینی که برخاسته از کتاب و سنت باشد و حقیقتا آموزشهای این دو منبع اصلی شریعت را نشان دهد، در این حکم، همانند خواهد بود؛ یعنی اثر حیاتی و سازنده در جامعه و زندگی دینی نخواهد داشت؛ چرا که جز پندارها و ادعاهای دروغین به نام دین، حقیقت دیگری نخواهد داشت.روایتهایی که از پدید آمدن ناروایها و تیرگیها در حوزه تفکر دینی خبر میدهند، بسیارند. آنچه یاد شد، گزینشی اندک از آن بسیار بود.به راستی معصومان (ع) چرا و به چه منظور از این حوادث خبر داده اند؟بی شک، یک جهت مهم در بیان این سخنان، این است که از یک سوی، دینداران با عوامل انحراف دینی که در آینده جامعه را فرا می گیرد، آشنا شوند و در گرفتن معارف دینی، هوشیار باشند؛ و از دیگر سوی، خواسته اند به عالمان و متولیان اندیشه دینی هشدار دهند که زمینه های انحراف و کژ اندیشی را به نیکی بشناسند و از آنها پروا گیرند.البته عوامل انحراف در اندیشه دینی، در همه زمانها بوده است، حتی در عصر حضور، افکار و تأویلهای نادرست و عالمان منحرف وجود داشته اند. اما آنچه دوران غیبت را در برابر این رویداد حساس می کند این است که چون مفسر واقعی دین، حضور ندارد، معیاری مسلم و قطعی که شاخص بازشناسی اندیشه راستین از دروغین باشد. وجود ندارد. در عصر حضور، شیعیان، هنگام اختلاف یا تردید در فهم و یا اعتقاد درست از نادرست، به حضور امامان (ع) می رسیدند و معارف دینی خویش را به داوری معصومانه ایشان می گذاشتند. اما در عصر غیبت، اگر چه قرآن، به طور کامل و بی هیچ کاستی در دسترس است، ولی محک زدن اندیشه ها به قرآن و داوری خواستن از قرآن باز به نوبه خود، استناد به فهمی از قرآن خواهد بود و هرگز قطعیت و معصومیت داوری معصومانه امام (ع) را نخواهد داشت. بی تردید، قرآن، معیار اصیل بازشناسی درستیها و راستیها در اندیشه دینی این دوران است، اما شناخت مراد قرآن، بدون دخالت فهم عالم در دسترس نیست؛ از همین روی، می بینیم برخی در استناد به قرآن، به دیدگاهی روی می آورند که حتی فهم ظواهر آن را حجت نمی دانند و معتقد می شوند که جز از طریق احادیث و سخنان معصومان (ع)، نمی توان به مراد وحی دست یافت! خوب، آیا این دیدگاه را می توان معیار قرار داد؟ پاسخ منفی است، زیرا این خود فهمی است بشری و چه بسا خطا و دیگر آن که اساسا در تمسک و استناد به حدیث، امکان لغزش و فرو افتادن در خطا به مراتب بیشتر است، چه اگر به فرض، مشکل فهم درست آن را به سبب: تعارض، از میان رفتن قراین، پوشیده ماندن ظرف صدور و موقعیت تخاطب و...، نادیده بگیریم باز با مشکلی بزرگ تر روبه رو، می شویم، یعنی پدیده جعل و وضع حدیث و تشخیص حدیث درست از نادرست.آیا رخ نمودن اندیشه های گوناگون در تاریخ اندیشه دینی را می توان در دایره پدیدار شدن انحرافها در فکر دینی زمان غیبت دانست؟بی شک، اختلاف آرا و افکار در حوزه اندیشه دینی، به مقتضای اجتهادی بودن آن است و این، نزد دین پژوهان، اصلی پذیرفته و برخاسته از تعالیم دینی امامان (ع) است. از این روی، باید بر اساس هماهنگی و ناهماهنگی و برابری و نابرابری ملاکهای درستی بر هر کدام از آنها، به داوری پرداخت. احادیث یاد شده، اندیشه هایی که بر پایه فهم و استنباط درست، یعنی با آگاهیهای لازم و شناخته شده برای اجتهاد، پدید آید و معیارهای مسلم اجتهاد دینی را

متناسب با نیازمندیهای فرهنگ دینی زمان خود، دارا باشد، در بر نمی گیرند. اندیشه هایی که بی توجه به قانونمندیها و ضوابط کشف شده برای فهم درست دین، به وجود آیند و با اصول مسلم در تفکر دینی، ناسازگار و بیگانه باشند، روشن است که انحراف خواهند بود.بنابراین، اندیشه دینی در طول زمان غیبت، به تلاشی مشترک و پیوسته، از سوی دین شناسان خبره و آگاه، نیاز دارد، تا منابع، شیوه های فهم و تحقیق دینی برای بازیافت آموزشهای راستین و اصیل اسلام در هر زمان شناخته گردد. این، به توبه خود، تلاشی است بر آمده از روح و فرهنگ انتظار و ایجاد زمینه سازی برای تحقق اصلاح در تفکر دین که بزرگ ترین حرکت در انقلاب جهانی مهدی (ع) است.

شاخصهای دینداری

اشاره

بسیاری از بایدها و شاخصهای بایسته ای که باور به دین را زندگی عصر انتظار می نمایانند، در روایات اسلامی، بیان شده است از این چشم انداز، به مطالعه پاره ای از آنها می پردازیم:

انتظار فرج

به انتظار زیستن و منتظرانه دین داشتن، وظیفه ای است که شریعت اسلام، از مؤ منان خواسته است. چشم داشتن به ظهور منجی و حاکمیت دوازدهمین امام، از سلسله امامان معصوم (ع)، باور به تداوم امامت و عینیت رهبری دینی، در نهایت تاریخ زندگی است، نهایتی دور، ولی در پیش، بسا امروز، فردا یا فردای دیگر.عالمان دین، بر پایه احادیث معصومین (ع) انتظار فرج را شاخص بزرگ انسان دیندار در عصر غیبت دانسته اند و همواره دینداران را به داشتن و دانستن این مهم، فرا خوانده اند:پیامبر اسلام (ص) می فرماید:«افضل اعمال امتی انتظار الفرج من الله عزوجل» [۱۳] .انتظار فرج داشتن برترین عمل امت من است.امام صادق (ع) می فرماید:«الا أخبرکم بما لا یقبل الله عزوجل من العباد عملا الا به؟ فقلت بلی، فقال:«شهادهٔ ان لا اله الا الله محمدا عبده و رسوله... و الانتظار للقائم (ع).» [۱۴] .خبر دهم شما را به چیزی که خداوند عمل بندگان را جز با آن نمی پذیرد؟گفتم آری.امام فرمود: باور به خدای یکتا و بندگی و پیامبری محمد... و چشم داشتن به ظهور قائم (ع).مفهوم انتظار: انتظار، باوری است بارور به عمل، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص، تجسم می یابد. دست روی دست گذاردن و بی هیچ کنشی منتظرانه، خود را منتظر دانستن، تفسیری وارونه و منافقانه از انتظار است.انتظار، اعتقادی است در گرو عمل، عمل کردن به آنچه که فرهنگ انتظار ایجاب می کند.انتظار، چشم داشتن به حاکمیتی است که در آن، ناپاکان، ظالمان، متظاهران بی اعتقاد و معتقدان بی کردار، به شمشیر عدالت و دیانت سپرده می شوند. دین، از بدعتها و کجیها و نفاقها و ناروابیهای بشری پیراسته می گردد.نادرستیها و ناراستیها کنار می رود، کاخهای به ظلم افراشته تاریخ، سقوط می کنند، زنجیرهای جل و اسارت گسسته می شوند، نابخردیها و ناحقیها، پایان می یابند، دنیای ناراستان به فرجام می رسد.شخص منتظر، خود ساخته ای است آماده پیوستن و در آمدن در صف نهضت و قیامی که نهمین سلاله حسین (ع)، آن را رهبری می کند و همه سنگرهای ظلم و ستم و پلیدی و نفاق و ناپاکی و بدعت را فرو می ریزد و حق و حق پرستی و درستی و راستی و عدالت را جایگزین آن می کند.انتظار مکتب آمادگی: آمادگی همیشگی، جوهر اصلی انتظار است و وظیفه قطعی منتظران. انتظار قیام و ظهور مهدی (ع) را داشتن، آمادگی پیشین می خواهد، از جمله: پیراسته و پاک زیستن، صداقت در عقیده و عمل داشتن، دارا بودن توان روحی برای جهاد و مبارزه در رکاب امام مهدی (ع).آنان که انتظار را به عنوان عقیده و باوری دینی در ذهن می پرورند، و بازتاب عملی آن را در بر پایی مجالس دعا و جشن می جویند، ولی با الفبای

مبارزه و جهاد و باطل ستیزی نا آشنایند، در طول زندگی خود، کوچکترین صحنه برخورد با دشمنان دین تجربه نکرده اند و حتی از تصور آن نیز، بر خود می لرزند، چگونه می خواهند به صف مجاهدان در قیام توفنده و جهانی مهدی (ع) در آیند و با بزرگ ترین و بیشترین دشمنان رویاروی شوند؟ آیا اینان، تاریخی مکرر از پیروان موسی نخواهند بود که گاه نبرد گفتند:«فأذهب أنت و ربک فقاتلا انا هیهنا قاعدون.» [۱۵] .پس تو و پروردگارت بروید و بجنگید که ما در این جا نشسته ایم.پیوستن به جمع یاران مهدی (ع)، از منتظرانی ساخته است که روح جهاد و ستیز با باطل را، به روزگار غیبت، تجربه کرده باشند. بسا این گروه، بر این پندارند که قیام و انقلاب مهدی (ع)، به نیروی غیب و اعجاز است. مس وجودشان، به یک نظر طلای ناب می شود؟ شجاع، دلیر و شهادت خواه! در حقیقت، اینان چشم دوخته اند تا امام (ع) ظهور کند، اوضاع مادی و معنوی را به یک نگاه به سامان آورد و آن گاه اینان، به زندگی آرام و ایمن دست یابند.ابو بصیر از امام صادق (ع) می پرسد:«جعلت فداک متی الفرج؟ فقال: یا ابا بصیر و أنت ممن یرید الدنیا؟ من عرف هذا الامر فقد فرج عنه لانتظاره.» [۱۶] .فدایت شوم، فرج کی خواهد بود؟امام فرمود: ای ابو بصیر؟ تو هم از کسانی هستی که دنیا را طلب می کنند! آن کس که قیام امام را بشناسد برای او، به جهت انتظارش فرج شده است.چون امام (ع)، متوجه است که ابو بصیر، با توجه به زندگی غمبار شیعیان، از فرج می پرسد، به گونه ای پاسخ او را می دهد که بفهمد، فرج به معنای چشم داشتن به رهایی از سختیها و رسیدن به کامیابیهای زندگی نیست، بلکه فرج، در گرو شناخت حق و شناختن رهبر و امام حق و منتظر یاری رساندن به اوست. راوی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم:مردم می گویند: مهدی که قیام کند، کارها خود بخود درست می شود، و به اندازه یک حجامت خون نمی ریزد.امام (ع) فرمود:«کلا، والذی نفسه بیده، لو استقامت لأحد عفوا، لأستقامت لرسول الله (ص) حین أدمیت رباعیته، و شج فی وجهه، کلا و الذی نفسه بیده، حتی فسخ نحن و أنتم العرق و العلق.» [۱۷] .هرگز چنین نیست. به خدای جان آفرین سوگند، اگر قرار بود کار برای کسی خود به خود درست شود، برای پیامبر (ص) درست می شد، هنگامی که دندانش شکست و صورتش شکافت. هرگز چنین نیست که کار، خود به خود درست شود، به خدای جان آفرین سوگند، کار دست نخواهد شد تا این که ما و شما در عرق و خون غرق شویم.بنابراین، از زاویه خواهشها و آرزوها و خواسته های بشری خویش، قیام امام (ع) را نگریستن و منتظر او بودن، به هیچ روی با تعالیم اسلامی سازگاری ندارد. در احادیث، کسی منتظر و یاور مهدی (ع) دانسته شده که در زندگی منتظرانه خود، دوره آمادگی را گذرانده و به مرتبه ایثار جان و مال در راه خدا رسیده باشد. برای شرکت در استقرار عدل بزرگ و نجات بشر مظلوم و انسانیت محروم، گامهای خود را به ایمان و ایثار استوار سازد و آن گاه برای یاری کردن نهضتی که می خواهد ریشه ظلم را در جهان بکند و عدل و قسط را به جای آن بنشاند، بی صبرانه منتظر جهاد باشد.امام صادق (ع) می فرماید:«لیعدن أحدکم لخروج القائم و لو سهما، فأن الله اذا علم ذلک من نیته رجوت لأن ینسی فی عمره حتی یدرکه و یکون من أعوانه و أنصاره.» [۱۸] .باید هر یک از شما برای خروج قائم اسلحه آماده کند. چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده، امید می رود خداوند، عمر او را دراز کند، تا ظهور را درک کند و از یاوران مهدی باشد.آماده بودن و سلاح تهیه کردن، بیش از هر چیز، نیرو و روح سلحشوری و ستیز لازم دارد. منتظر مسلح، وقتی می تواند در صف جهاد گران قیام، قرار گیرد، دست به سلاح ببرد و در رکاب امام حق، نقش بیافرینند که در صحنه نبرد، پیروزی یا شهادت در نظر او یکسان باشد. در صحنه شعله و خون، عاشقانه خود را برای امام و آرمانهای او بخواهد، نه امام را برای آرزوهای خویش و این، میسر نمی شود مگر آن که همواره روح حماسه و اقدام و سلحشوری و مقاومت و شهادت و ایثار را در خود بپروراند و هر آن آمادگی خود را برای چنین امری بیازماید.علی (ع) می فرماید:«المنتظر لامرنا کالمتشحط بدمه فی سبیل الله.» [۱۹] .منتظر امر ما، بسان کسی است که در راه خدا به خون خود، غلتیده باشد.این سخن، انسان منتظر را فردی مهیا برای جهاد و شهادت معرفی می کند و به او، این باور را می دهد که سلوک منتظرانه، مسؤ ولیتی است بسان جهاد، سخت و چه بسا همراه بذل جان، از این روی، منتظر باید خود را فدیه ای ببیند در راه اعتلای دین، بی هراس از شهادت و پذیرای هر گونه فداکاری و ایثار.امام صادق (ع)

می فرمایـد:«من مـات منکم و هو منتظر لهـذا الـامر کمن هو مع القائم فی فسـطاطه، قال: ثم مکث هنیئهٔ ثم قال: لا بل کمن قارع معه بسیفه، ثم قال: لا و الله الا کم استشهد مع رسول الله». [۲۰] .هر کس به انتظار بزید و بمیرد، چون کسی است که قائم را یاوری کرده است.پس از لحظه ای درنگ، فرمود:نه، بلکه بسان کسـی است که با آن حضـرت شمشـیر زنـد.و سـپس فرمود:نه، به خـدا، به حتم، همچون کسـی است که در رکـاب رسول خداشـهید شـده باشـد.بهای کـدام زنـدگی، چون بهای یاوری و شمشـیر زدن در خـدمت حضـرت را می توانـد داشـته باشـد؟ چگونه زیسـتنی است که فرجـامش بسان شـهادت است؟بی شک، زیستی که در نتیجه و اثر، با شهادت و جهاد یکسان باشد، زیسـتنی که آگاهی بخشد، شور و اشتیاق دینی بیافریند، ارزشها را بگسترد و در جهت تحقق هدفهای مکتب، باشـد بله، در عصـر انتظار، بـدین سان زیسـتن، یاوری امام قائم است.امام صادق (ع) می فرماید:«من عرف امامه ثم مات قبل أن یقوم صاحب هذا الأمر، کان بمنزلهٔ من کان قاعدا فی عسـکره.» [۲۱] .هر کس امام خود را بشـناسد و پیش از قیام او بمیرد، مانند کسـی که در گروه سـربازانش نشسـته باشـد.انسان منتظر، بایـد به گونه ای بزید که اگر ظهور و قیام مهدی (ع) را در حیات خویش درک نکنـد، بـاز در آن سـهیم باشـد و این در گرو آن است که از نظر فکر و عمـل، در صف حق جویـان و باطـل ستیزان روزگـار خویش باشد و سـلوک اجتماعی اش، در جهت زمینه سازی و آمادگی هر چه بیشتر خود و جامعه، برای پذیرش این قیام باشد.چنین انسانی، همواره جهادی بزرگ را فرا روی خود می نگرد و آزمون پایـداری به دین و عقیـده را که لازمه این جهاد است، در سراسـر دوران زنـدگی به اجرا می آورد و پیوسـته بـا آزمونهـای کوچـک تر، میزان مـوفقیت و شایسـتگی خود را در آن آزمون بزرگ می افزاید.انتظار مکتب تعهد و تکلیف: نزد همگان، جاودانگی شـریعت و احکام آن، اصـلی بی تردید است و در تمامی عصرها، پیروی از دستورها و تعالیم دینی و پیاده کردن آنها در متن زندگی واجب است. بر پایه این اصل پذیرفته و مسلم، دینداران، برای همیشه به حضور در صحنه و به انجام همه تکلیفهای فردی و اجتماعی وظیفه دارند. انجام تکلیفهای دینی، تعطیل بردار نیست.آیا غیبت امام و چشم به ظهور او داشتن، می تواند مجوز برداشتن تکلیف در بخشی از احکام دینی باشد؟در این صورت، جاودانگی شریعت اسلام، به عنوان یک دستگاه فکری و حقوقی و ارزشی به هم پیوسته، چگونه تفسیر خواهد شد؟مثلا در روایتهای بسیاری از گسترش ظلم و فساد و انحراف، در عصـر غیبت، سـخن رفته است که اکنون شاهد آن هستیم، آیا انسان دیندار که در این روزگار می زید، در برابر اینها رها و بی تکلیف است؟ یا تکلیف مبارزه با ظلمها و فسادهای فردی و اجتماعی و اصلاح جامعه و جهاد در راه دفاع از مکتب و امت، همچنـان باقی و جاویـد است؟هیـچ کـدام از فقیهان و دین شـناسان به رها شـدن بخشـی از احکام دین فتوا نـداده انـد، آن هم احکامی که نگهـداشت دین به عمل کردن به آنها وابسـته است. برای اجرای حکم امر به معروف و نهی از منکر، شـرایطی از جمله: شناخت معروف و منکر و نتیجه بخش بودن آن، بیان کرده اند، اما این به معنای برداشتن تکلیف نیست.آیا می توان گفت: در عصر غیبـت به سـبب حاضـر نبـودن امـام (ع)، بـا وجـود این همه ظلم و فسـاد، شـرایط امر به معروف و نهی از منکر تحقـق نمی یابـد و یا هجومی صورت نمی گیرد؟ اگر چنین است، پس چرا فقیهان در مباحث فقهی خود، در طول دوران غیبت، برای این موضوع، کتابی اختصاص داده و در چگونگی آن به تفصیل سـخن گفته اند. آیا بیهوده بحث کرده اند؟!جای تأسف است که شاهد باشیم گروهی نـا آشـنا به مسائـل دین، انتظـار را به گونه ای تفسیر کننـد که اصـل جاودانگی تکلیف و تعهـد دینی انسان دینـدار در این بخش از دسـتور دینی نادیـده انگاشـته شود.به راستی بسامـان آوردن نابسامانیهـای دینی در اجتماع و دست یازیـدن به حرکتهای اصـلاحی و احیاگری در عصـر انتظار، با فرهنگ انتظار ناسازگار است و زنـده نگاهداشـتن سـنت دعوت دینی حرام و ناروا؟امام سـجاد (ع) می فرمایـد:«ان اهل زمان غیبـهٔ، القائلین بامامته و المنتظرین لظهوره... الـدعاهٔ الی دین الله عزوجل سـرا و جهرا.» [۲۲] .معتقدان به مهدی (ع) و منتظران ظهور او در عصـر غیبت... در پنهان و آشـکار مردمان را به دین خـدا فرا می خواننـد.همان گونه می نگریـد، امام (ع) منتظران معتقـد و راستین را در روزگـار غیبت، دعوت کننـدگان به دین خـدا معرفی می کنـد. اگر انتظـار را به معنی برداشـته شـدن تکلیفهای اجتماعی و نبودن مسؤ ولیتهای اصـلاحی در جامعه بدانیم، پس دعوت به دین در این سخن امام معصوم (ع) چگونه تفسیر

می شود؟آیا مبارزه با فسادهای اجتماعی، با ظلم و بی عدالتی و با حرکتهای ضد انسانی و ضد دینی مستبدان و مستکبران، که بقای آنها، محور دین و باورهای دینی را در پی دارد، دعوت به دین خدا نیست؟آیا تحقق و استقرار حاکمیت دین و احیای نماز و حج و ولایت و امامت در جامعه و برقراری عدالت اسلامی به قدر توان، دعوت به دین نیست؟ تلاش در راه اصلاح بنیادهای مادی و معنوی اجتماع و برآوردن سلامت دینداری، دعوت به دین نیست؟پس، انتظار، باوری نیست که با آن تعهد اجتماعی انسان منتظر نفی شود، یا سکوت و سازش با ستم بارگان و ظالمان توجیه گردد.با چه تفسیری از دین، می توان از دست رفتن عزت دینی و تحمل انواع ذلتها و مشاهده فسادها و ظلمها و هیچ نگفتن و انزوا گزیدن را، دینداری دانست؟سرنوشت میلیونها انسان دیندار را در دست فاسدان و جنایت پیشگان و ظالمان دید و از میان رفتن ارکان و ارزشها و اصالتهای دین و دینداران را، به دست این شیطان صفتان، شاهد بود و در برابر، خود را دینداری بی تکلیف دانست؟ راستی امام زمان (ع) از این دینداری راضی است؟ این گونه تفسیر از انتظار، با کدام اصل دینی سازگار است؟البته دست زدن به مبارزه و مقاومت منفی که در برخی روایتها [۲۳] به آن اشاره شده، پذیرفته است؛ زیرا در پاره ای شرایط زمانها، این موضعی است پسندیده و خرد ورزانه، ولی باید مقتضای زمانی و اجتماعی جامعه را شناخت و تأثیر این موضوع را در موفقیت دعوت دینی، ارزیابی کرد و سنجیده و هوشمندانه عمل کرد. پس به هر روی، تکلیف و تعهد دینی باقی و جاوید است.

نگهداشت ایمان دینی

در روایتهای بسیاری از امتحان دینداران در دوره غیبت سخن گفته شده است. ایمان و دینداری، در بوته آزمایش گذاشته می شود و مردمان به اصالت ایمان و استواری در نگهداشتن دین خود، سنجیده می شوند. آزمایشهای دینی، برای همه ایمان آورندگان در همه زمانها، قانون الهی است:«أحسب الناس أن یترکوا ان یقولوا امنا و هم لا یفتنون.» [۲۴] .اما این قانون، در روزگار غیبت به دو جهت، مورد تأکید است:آن که امام (ع) از نظرها پنهان است و منتظران، منتظر اویند و چون این امر، به درازا می کشد، افکار و دعوتهای باطل، در میان مسلمانان پدید می آید و گروهی گمراه می شوند:امام صادق (ع) می فرماید:«ان لصاحب هذا الامر غیبتین احدیهما تطول حتی یقول بعضهم: مات، و بعضهم یقول: قتل، و بعضهم یقول: ذهب، فلایبقی علی أمره من أصحابه الا نفر یسیر.» [۲۵] .به راستی مهدی (ع)، دو غیبت دارد. دوم آن، به اندازه ای به درازا می کشد که گروهی می پندارند: وی، مرده است و گروهی می پندارند: کشته شده و گروهی می پندارند: (ظهور او) گذشته است. پس بر پیروی از او، کسی باقی نماند، مگر مردمانی اندک.علی (ع) می فرماید:«یکون له حیرة و غیبة تضل فیها أقوام و یهتدی فیها اخرون.»به سبب غیبت مهدی (ع)، سردرگمی به وجود می آید می آید که گروهی گمراه می شوند و گروهی دیگر بر هدایت می مانند.در این دوران، شرایطی به وجود می آید و اوضاعی بر جوامع دینی حاکم می شود که نگاهداشتن دین، بسیار دشوار می شود. بیشترین مردمان، به انگیزه های گوناگون، ایمان دینی خویش را در زندگی از دست می دهند و دینداری را کنار می نهند:امام صادق (ع) می فرماید:«و رأیت الناس قد استووا فی ترک الأمر بالمعروف والنهی عن المنکر و ترک التدین به.» [۲۶] .مردمان را می نگری که در کنار نهادن امر به معروف و نهی از منکر همراه می شوند و نسبت به آن ناباورند.مهم ترین انگیزه ای که سبب می گردد در این دوران، دینداران به آزمایشهای اعتقادی و عملی بسیار، رو به رو گردند، عبارتند از:گسترش زمینه های ناباوری: از یک سو، آشکار شدن اختلافها و فتنه های فکری و پیدایش آرا و مسلکهای گوناگون در حوزه اندیشه و باورهای دینی، تردیدها و یأسها را می آفریند و سستی در گرایشها و باورها را پدید می آورد:امام باقر (ع) می فرماید:«و اختلاف شدید بین الناس و تشتت فی دینهم.» [۲۷] .و اختلاف شدید میان مردمان رخ دهد و در دین خود، پراکنده می شوند.از سوی دیگر، رواج مرامها و مسلکهای ناروا و فساد انگیز، در میان مردمان، روح دینداری را در جامعه از بین می برد و پیروی از تعالیم شریعت ناچیز می شودامام صادق (ع) می فرماید:«و رأیت الناس

ینظربعضهم الی بعض، و یقتدون بأهل الشرور، و رأیت مسلک الخیر و طریقه خالیا لا یسلکه أحد.» [۲۸] .مردمان را می نگری که به پیروی از مرام یکدیگر می پردازند و به بدکرداران اقتدا می کنند، و باور حق و راه آن را می نگری که بی رهروست.افزایش انگیزه های انحراف و گریز از دین: دینداری، به سبب گذر از تاریخی طولانی، به تیرگیها و پیرایه ها و خرافه ها و سنتهای بشری می آمیزد و بسیاری فهمها و عملکردها و جهتگیریهای نادرست و نابخردانه و ارتجاعی و انحرافی و آفت زده به حساب دین گذاشته می شود و در نتیجه، چهره روشن و فطری دین،زیر این لایه های تیره پنهان می گردد و بدین روی، ارزش و اصالت واقعی رویکرد به دین و دیانت از میان می رود و مردمان از آن می رمند:علی (ع) می فرماید:«ایها الناس سیأتی علیکم زمان یکفاء فیه الاسلام کما یکفاء الانـاء بمافیه.» [۲۹] .ای مردم! به زودی بر شما روزگاری خواهد آمد که اسلام را از حقیقت آن بپردازد، همچون ظرفی که واژگونش کنند و آن از آنچه درون دارد تهی سازند.یا می فرماید:«و لبس الاسلام لبس الفرو مقلوبا.»و اسلام پوستین باژگونه پوشد.ستیزه جوییها با دینداری: خودپرستان و خودکامگان و پیروان باطل، که هماره به دنبال هدفهای دنیا پرستانه اند، چون فرهنگ اصیل دینداری را مانعی بزرگ برای رسیدن به هدفهای خود می بینند، به استفاده از تمامی امکانات و به کار گیری همه راهها و شیوه های ممکن، به ستیز با دین و دینداران می پردازند و ایشان را در تنگنا و سختی می گذارند:«و رأیت أهل الباطل قد استعلوا علی أهل الحق و رأیت الشر ظاهرا لا ینهی عنه و یعذر أصحابه... و رأیت الفاسق فیما لا یحب الله قویا محمودا، و رأیت أصحاب الآیات یحقرون و یحتقر من یحبهم.» [۳۰] .اهل باطل را می نگری که بر اهل حق چیره شده و بدیها آشکار گشته از آن نهی نمی شود و پیروان آن در امانند... و فاسق را می نگری که به کردار ناپسندش توانا و مورد تحسین است و مردان حق و پیروان آنان را می نگری که کوچک و ذلیل شمرده می شوند.وجود این عوامل در محیط دینی دوران غیبت، بویژه فزونی و شدت یافتن آنها در روزگار نزدیک به ظهور، دینداری را بسیار سخت و مشکل می کند تا آن جا که:پیامبر (ص) می فرماید:«لأحدهم أشد بقیهٔ علی دینه من خرط القتاد فی اللیلهٔ الظلماء، أو کالقابض علی جمر الغضا.» [۳۱] .هر یک از آنان اعتقاد و دین خویش را با هر سختی نگاه می دارد، چنان که گویی درخت خار مغیلان را در شب تاریک با دست پوست می کند، یا آتش پر دوام را در دست نگاه می دارد.از همین روی آنان که برای نگهداشتن ایمان دینی خود، در برابر این رخدادها، استقامت نورزند و با اراده قوی سختیها و تنگناها را تحمل نکنند و یا از دیانت خویش بینش و شعور درستی نداشته باشند، از زمره دینداران و منتظران واقعی خارج خواهند شد:امام صادق (ع) می فرماید:«لابد للناس من أن یمحصوا، و یمیزوا، و یغربلوا و یخرج فی الغربال خلق کثیر.» [۳۲] .ناگزیر، مردمان امتحان می شوند و از هم تمییز می یابند و غربال می شوند و بسیاری از غربال بیرون می روند (در امتحان، موفق نمی شوند).در آن روزگار، انسان دیندار باید هوشیارانه و ژرف بینانه اصول خالص دیانت را بیابد و وسوسه های ناهنجار و انگیزه های دور ساز ایمان را از خود دور سازد و این گوهر را در طول زندگی، از آسیب و انحراف نگاه دارد:امام صادق (ع)، از رواج بسیاری ناروااییهای دینی در میان مردمان سخن می گوید و در پایان سفارش می فرماید:«فکن علی حذر، واطلب من الله عزوجل النجاهٔ،... فکن مترقبا! واجتهد لیراک الله عزوجل فی خلاف ما هم علیه.» [۳۳] .خود بر بر حذر دار و از خدا رهایی بخواه... هوشیار باش و بکوش تا خدا تو را در راهی غیر از گمراهیهایی که مردمان در آنند، ببیند.برای انسان دینداری که در برابر حوادث و پیشامدهای زندگی، بجدّ تصمیم می گیرد و متناسب با اندیشه ها و باورهای خود، موضع مثبت یا منفی بر می گزیند، بروز حوادث دگرگون ساز، در شکفته شدن استعدادهای وجود او اثری سازنده دارد.چنین شخصی، وقتی در زندگی دینی با حادثه ای رو به رو می شود که با دینداری اش پیوند دارد، ناگزیر است درباره آن بیندیشد و از میان آنچه به نظرش می آید بر پایه اندیشه ای قانع کننده، موضعی جدید برگزیند. هر چه از این گونه حوادث تکرار شود، اندیشه و موضع جدید نیز، پی در پی جریان می یابد. در این روند است که شخصیت و هویت مستقل فردی و اجتماعی شخص شکل می گیرد و دارای موضع فکری و عملی ویژه ای می شود که هماره خود را در حفظ و دفاع از آن، متعهد و مسؤ ول می بیند.در عصر غیبت، آزمایشها، درست همین نقش را برای شکل گیری شخصیت و

آشکار شدن موضع دینی متدینان، ایفا می کنند. انسان دیندار، به هر اندازه که بتواند موضع زندگی دینی خود را، در ظرف حوادث و رویدادها، با آموزشها و تعالیم اصیل دینی هماهنگ کند، به همان میزان در آزمایش دینی خود پیروز شده است و آمادگی شرکت در تحقیق عدالت جهانی و برقراری حکومت مهدی (ع) را پیدا خواهد کرد.بنابراین، قانون آزمایش غربال شدن مؤ منان، در ظرف زمانی غیبت که گمراهیها و ستمها، هجوم می آورند، در شکوفا شدن حق جویی و خلوص دینی دینداران و شایستگی برای حضور در جهادی فراگیر سخت در رکاب مهدی (ع) نقشی اساسی و زیربنایی دارد.به فرموده پیامبر (ص):«انتظار الفرج بالصبر عبادهٔ» [۳۴] .چشم به راه فرج داشتن، همراه با صبر و استقامت، عبادت است.زیرا در مکتب انتظار و امتحان و تمرین مقاومت، انسانهایی ساخته می شوند که حاملان اصلی ترین اعتقاد و دارندگان راستین ترین و استوارترین موضع حق هستند.امام صادق (ع) در وصف آنان می فرماید:«رجال کأن قلوبهم زبر الحدید لایشوبها شک فی ذات الله، أشد من الحجر، لو حملوا علی الجبال لأزالوها.» [۳۵] .یاران مهدی (ع)، مردانی هستند پولاد دل و همه وجودشان یقین به خدا، مردانی سخت تر از صخره ها. اگر به کوهها روی آرند آنها را از جای بر کنند.

ارزش دینداری

ویژگیهای دینی در عصر غیبت، که به برخی از آنها اشاره شد، سبب می شود دینداران در این روزگار، رتبه و مقامی والا بیابند که اینک به پاره ای از آن رتبه ها اشاره می کنیم:تکامل در بینش دینی: امام صادق (ع) می فرماید:«قال النبی (ص) لعلی (ع): یا علی! و أعلم ان أعظم الناس یقینا قوم یکونون فی أخر الزمان، لم یلحقوا النبی و حجب عنهم الحجهٔ فامنوا بسواد فی بیاض.» [۳۶] .پیامبر (ص)، به علی (ع) فرمود: یا علی! بزرگ ترین مردمان در ایمان و یقین کسانی هستند که در واپسین روزگار می زیند، پیامبرشان را مشاهده نکرده و امامشان پنهان است، پس به سبب خواندن خطی بر روی کاغذ، ایمان می آورند.انسان دیندار، در صدر اسلام، عقاید و باورهای دینی از پیامبرمی گیرد و تعالیم خالص دین را با دریافت مستقیم از مفسر واقعی وحی، دریافت می کند، رسول خدا (ص) را می بیند و از روش و منش و سیره او الهام می گیرد و پایه باورهای خود را استوار می سازد و... این امور در آسان کرده پذیرش حق، نقش بسزایی دارند.اما انسان دیندار در این عصر، از تمامی این دریافتهای حسی به دور است و تنها بر اساس درک عقلی و تاریخی، پیامبر (ص) و امامان (ع) را می شناسد و به رسالت و امامت ایشان ایمان می آورد.پیامبر (ص) می فرماید:«ولکن اخوانی الذین ساتون من بعدکم، یومنون بی و یحبونی و ینصرونی و یصدقونی، و ما راونی.» [۳۷] .برادران من کسانی هستند که پس از شما (اصحاب) می زیند. به من ایمان می آورند و مرا دوست می دارند و یاری می رسانند و به من ایمان می آورند، در حالی که مرا ندیده اند.بی گمان، دیندار بودن به روزگار غیب افزون تری را می طلبد، چرا که ایمان به وجود پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و غیبت مهدی (ع)، به نوبه خود، ایمان به غیب است. [۳۸] و چونان ایمان به مبداء و معاد، نیازمند تعقل و تفکر است؛ از این روی، باور داشتن در این روزگار، بصیرت دینی بیشتری می خواهد.امام سجاد (ع) می فرماید:«ان اهل زمان غیبته، القادلون بامامته، المنتظرون لظهوره افضل اهل کل زمان، لان الله تعالی ذکره اعطاهم من العقول و الافهام و المعرفهٔ ما صارت به الغیبه عندهم بمنزله المشاهده... اولئک المخلصون حقا.» [۳۹] .به درستی که مردمان زمان غیب مهدی (ع) که امامتش را باور دارند و منتظر ظهور اویند، از مردمان همه زمانها برترند؛ زیرا خدا چنان عقلها و فهمها و شناخت آنان را قوت بخشیده است که غیبت نزد آنان همچون دیدن باشد...آنان به حق اخلاص ورزانند.دینداری در این روزگار، نیازمند بینشی است که انسان دیندار در پرتو آن، توان یابد تا در برابر تحریفها و مسخها و شبهه ها و تردیدها و تزلزلها و گریز و آویزها و سر کوفتها از درون و بیرون حوزه دین، همچنان رویکرد دینی خود را نگاه دارد و با هیچ یک از این عوامل، خلوص دینی و دینداری را در فکر و عمل از دست ندهد. در حالی که دینداری در عصر پیامبر (ص)، با این گونه مسائل همراه نبوده است.شکیبایی در دین: پیامبر (ص) فرمود:«سیاتی

قوم من بعدکم، الرجل الواحد منهم له اجر خمسین منکم، قالوا: یا رسول الله نحن کنا معک ببدر و احد و حنین، و نزل فینا القران، فقال: انکم لو تحملو الما حملو الم تصبروا صبرهم.» [۴۰] .به زودی پس از شما، کسانی می آیند که یک نفر آنان پاداش پنجاه نفر از شما را دارد. گفتند: ای رسول خدا! ما در جنگ بدر واحد و حنین در رکاب شما جهاد کرده ایم و درباره ما آیه قرآن نازل شده است!پیامبر فرمود: زیرا اگر آنچه از آزارهای و رنجها که بر آنان می رسد بر شما آید، بسان آنان، شکیبایی نخواهید داشت.پایداری بر دین، در روزگار غیب، به پذیرش سختیها و بیمها و محرومیتها و تنگناهای مادی، که اجمالی از آن پیشتر یاد شد، خلاصه نمی شود، بلکه تحمل فشارهای سخت روحی و معنوی نیز، بر آنها افزوده می گردد و چنانچه دینداری با صبر و شکیبی درست و آگاهانه توأم نباشد، به تدریج ناامیدیها روی می آورد و باور را از روح و فکر می سترد. در نتیجه عینیت زندگی انسان دیندار، که بیشترین مردمان آن روزگارند.با توجه به نابسامانیهای دینی و اجتماعی در روزگار غیبت، می توان فشارهای روحی و یأس آوری را که ممکن است انسان دیندار را مورد هجوم قرار دهد، از دو ناحیه دانست:۱.از ناحیه مسخ فرهنگ دینی، که به وسیله متولیان دین و در قالب دین شناسیهای نابخردانه و جاهلانه صورت می گیرد و اصالت دینداری را در جامعه از میان می برد.۲. از ناحیه مدعیان دینداری که در انواع فسادها و تباهیها و ذلتها و ظلمها و دین فروشیها و... فرو افتاده اند و عزت و تعالی زندگی دینی را از میان برده اند.بی تردید، مشاهده این گونه امور برای انسان دینداری که در هر شرایطی، به سلامت دینی خود و جامعه و امت می اندیشد، بسیار دردناک و رنج آور است. به امید روزی که با ظهور مهدی (ع) این درد و رنج نیز، پایان یابد.

پاورقی

[۱] «کشف الغمة فی معرفة الائمة»، ابوالفتح اربلی، ج ۳: ۲۲۷،دار الکتاب الاسلامی، بیروت.

[۲] «وسایل الشیعه»، شیخ حر عاملی، ج ۱۸: ۱۰۱،دار احیاء التراث، بیروت.

[۳] «کتاب الغیبة» نگاشته اوست.

[۴] وی، کتاب: «کمال الدین و تمام النعمة» را در این موضوع نگاشت.

[۵] وی بخش آخر «ارشاد» را به این موضوع اختصاص داده است.

[۶] «کتاب الغیبة» را نگاشته است. مؤ سسة المعارف الاسلامیة، قم.

[۷] «بحارالانوار»، مرحوم مجلسی، ج ۵۲: ۲۵۸، موسسة الوفاء، بیروت.

[۸] «یوم الخلاص»،: ۳۴۲.

[۹] «الغیبة» نعمانی: ۲۳۱، صدوق، تهران.]

[۱۰] «ارشاد»، شیخ مفید، ج ۲: ۳۸۳، مؤ سسه آل البیت، قم. «الغیبة» نعمانی: ۲۳۱ به بعد؛ «کشف الغمة» ج ۳: ۲۵۴.

[۱۱] «نهج البلاغه»، فیض الاسلام: خطبه ۱۳۸.

[۱۲] «نهج البلاغه»، فیض الاسلام: خطبه ۱۳۸.

[۱۳] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۱۲۸.

[۱۴] «الغیبة»، نعمانی: ۲۰۰.

[۱۵] سوره «مائدة»، آیه ۲۴.

[۱۶] «اصول کافی»، کلینی، ج ۱: ۳۷۱، دارالتعارف، بیروت.

[۱۷] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۳۵۸.

[۱۸] «همان مدرک» ج ۳۶۶.

[۱۹] «همان مدرک»،: ۱۲۳.

[۲۰] «مکیال المکارم»، موسوی اصفهانی، ترجمه: سید مهدی حایری، ج ۲: ۲۱۰، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر.

[۲۱] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۱۴۱.

[۲۲] کمال الدین»، شیخ صدوق،: ۳۲۰، مؤ سسهٔ النشر الاسلامی، قم.

[۲۳] این روایتها در کتاب: «موسوعهٔ الامام المهدی»، سید محمد صدر، ج ۲: ۳۳۵ – ۳۶۰ به شرح بررسی و تفسیر شده است.

[۲۴] سوره «عنکبوت»، آیه ۲.

[۲۵] «کتاب الغیبه»: ۱۷۱.

[۲۶] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۲۵۹.

[۲۷] «کتاب الغیبهٔ»: ۲۳۵.

[۲۸] «بحاالانوار»، ج ۵۲: ۲۵۹.

[۲۹] «نهج البلاغه»، ترجمه شهیدی: خطبه ۱۰۳، آموزش انقلاب اسلامی، تهران.

[۳۰] «بحارالانوار»، ج ۵۲: ۲۵۶.

[۳۱] همان مدرک: ۱۲۴.

[۳۲] «همان مدرک»: ۱۱۴.

[۳۳] «همان مدرک»: ۲۶۰.

[۳۴] «همان مدرک»: ۱۴۵.

[۳۵] «همان مدرک»: ۳۰۸.

[۳۶] «همان مدرک»: ۱۲۵.

[۳۷] «همان مدرک» ۱۳۲:.

[۳۸] در بعضی روایتها، آیه: «الذین یومنون بالغیب» (سوره بقره: ۲)، بر ایمان به غیب مهدی (ع) منطبق شده است: ر.ك: بحار الانوار، ج ۵۲: ۱۲۴.

[۳۹] «کمال الدین»، شیخ صدوق، ج ۱: ۳۲۰ انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم.

[۴۰] «بحار النوار»،ج ۵۲: ۱۳۰.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه

الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

